

# بِسْمِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال الله تبارك و تعالی:

﴿قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا﴾

سوره مبارکه شمس، آیه ۹

امام خامنه‌ای مدظله العالی:

درس خواندن و تهذیب اخلاق و هوشیاری سیاسی همراه با تلاش‌های انقلابی، وظائفی هستند که دختران و پسران این نسل باید آنها را هرگز فراموش نکنند. ۱۳۹۸/۹/۲۴

عنوان:

## تفاوت دین و فطرت

| شناسنامه مطلب  |         |
|--|---------|
| t-164  | کد مطلب |
| تزکیه‌ای/تقوای عمومی/اصلاح اندیشه/تغییر بینش/نسبت به دین | رده     |
| دین، فطرت، تزکیه، انسان، تغییر نگرش                      | برچسب   |
|  | توضیحات |

پایگاه تزکیه‌ای، علمی، بصیرتی و مهارتی نُمُو

nomov.ir

از آن جایی که بحث فطرت، بحثی بسیار مهم و در معرفت دینی نقش اساسی دارد، و از طرفی تقریباً یکی از بحث‌های جدیدی است که بزرگان در این زمان‌های اخیر طرح می‌فرمایند، به نظر رسید که يك مقدار دقیق تر و ریز تر این بحث مطرح شود؛ چون يك مطلب زیربنایی است.

«فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» (روم-۳۰)

بالاخره هر موجودی بر اساس فرمول‌های ثابت و محکمی ساخته شده است که این فرمول‌ها و قوانین، در عالم مجرد هستند و ساختار موجودات بر اساس آنها ریخته شده است. مثالی عرض کردیم، گفتیم مثلاً دستگاه رادیو یک سیستم مادی است، ولی بر اساس قوانین فیزیک، ریاضی، الکترونیک و... ریخته شده است. یعنی قبل از بودن آن رادیو، این قوانین در هستی به صورت يك حقیقت واحد بود؛ یعنی این طور نیست که هزاران دستگاه رادیو را بسازیم و باز و بسته کنیم و بعد قوانین را ایجاد کنیم. مسأله، از آن طرف است یعنی اول فرمول‌ها و قوانین بوده، و بعد قوه عاقله انسان این رادیو را طبق آن قوانین بی‌ریزی کرده است.

حال انسان هم که پیچیده ترین موجود است، بر اساس يك قانون مجرد که در نظام هستی است، ساخته شده است. افراد انسانی رشد می‌کند و بیشتر می‌شود، اما آن حقیقت که انسان بر مبنای آن شکل یافته، قبل از افراد انسان وجود داشت؛ همچنانکه آن فرمول‌های ریاضی و فیزیک و الکترونیک و... قبل از آن رادیو وجود داشت.

وقتی صحبت از دین می‌شود و خدا می‌فرماید: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ»، این دین (اگر دقیق باشیم) همان قوانین ثابت مجردی است که این انسان، طبق آن ریخته‌گری شده است. پس دین، يك چیز قراردادی نیست که ما برای خوشبختی خودمان دنبال آن باشیم و بعد از رسیدن به آن قوانین و پیروی از آنها به خوشبختی برسیم، یعنی «ما»یی باشد و دینی جدا از این ما وجود داشته باشد.

این دین، نه تنها جدای از من نیست، بلکه عمیق‌تر از ساختار من است. وقتی من به دین توجه می‌کنم، به آن حقیقت توجه می‌کنم.

شبهه‌ای که در مورد آیه «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا» احتمال می‌رود ایجاد شود، این است که در نگاه اول به ذهن می‌رسد که آیه، دین را همان فطرت معرفی می‌کند، یعنی توجه خود را به این قوانین بکن و ذات وجود تو آن قوانین است. وقتی توجه به آن قوانین می‌کنی، یعنی توجه به فطرت می‌کنی، در نتیجه مشتبه می‌شود که منظور از دین، همان فطرت است یا برعکس.

اما آن چه که توضیح دقیق می‌خواهد، ان شاء الله خدا کمک کند در حد وسع خود، به عرض برسانیم، این است که این دین، فطرت نیست. فطرت عمیق‌تر از دین است.

قوانینی که بر اساس آن ساخته شده‌ایم (حالا آن فرمول‌ها و قوانین هر چه هست، به جای خود) آنها مدوّن گردیدند و دین شدند. اما فطرت، يك حقیقت بسیار دقیق‌تر از این دارد.

### معنا و حقیقت فطرت

از نظر لغت، می‌فرمایند «فَطَرَ» پاره کردن و شکافتن چیزی است به طول آن؛ پس اگر به صورت طولی يك پارچه را چاك بدهیم، می‌شود «فَطَرَ».

از نظر قوانین علم لغت، «فطرت» بناءً نوع است. فطرت یعنی نوع خاصی از آفرینش؛ یعنی چیزی را بگونه‌ای ساختن، که دارای خواصی بشود. این فطرت ویژگی‌هایی دارد که در صنع و خلق و ... نیست، این مربوط به فطرت است، اگر يك سری قوانینی از آن ظهور پیدا کند، آن طرز ساختن مخصوص فطرت می‌شود. مثالی را عرض می‌کنیم:

مثلاً قطعاتی در کارگاه وجود دارد؛ (البته مثال، خیلی ناقص بوده و در حد تقریب به ذهن می‌باشد) این‌ها را طوری به هم پیوند می‌دهیم که دارای خاصیتی می‌شود، مثلاً رادیو ساخته می‌شود و صدا و امواجی می‌گیرد و پس می‌دهد، درجات امواج را کم و زیاد کرده و خواصی را پیدا می‌کند. همان قطعات بی‌خاصیت با این ساختار دارای خواصی می‌شود.

کتاب فطرت - پایگاه ندای پاک فطرت